

بررسی تطبیقی انواع مهریه در فقه امامیه و حقوق ایران

آیت الله العظمی احمد بهشتی^۱، حمید رضا مددی^۲

^۱ استاد دانشگاه و عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

^۲ دانش آموخته ی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نی ریز، نی ریز، ایران.

چکیده

این مقاله متکفل بررسی تطبیقی انواع مهریه در فقه امامیه و حقوق ایران با روش توصیفی و تطبیقی می باشد. یکی از مهمترین موضوعاتی که در فقه و حقوق امروزی بیش از پیش مورد توجه بوده بررسی مهریه و ماهیت آن در عقد نکاح است. در واقع خانواده قدیمی ترین و مهم ترین نهاد اجتماعی است که از آغاز حیات بشر به طور طبیعی ایجاد شده و عمری به درازای آن دارد. آموزه های دین اسلام در راستای حفظ سلامت جامعه و مسلمین تأکید قابل توجهی بر این مهم نموده و قانون مدنی ایران نیز در کتاب های هفتم، هشتم و نهم موضوعات و مطالب مربوط به خانواده، اولاد، نکاح، طلاق و ... را طرح کرده است. باتوجه به اهمیت نقش زن در تشکیل و دوام خانواده، قانون مدنی به تبع فقه و مقررات شرعی، بیشتر چهره ی حمایت از زن و جلوگیری از تضییع حقوق آنان را به خود گرفته است که نمونه ی بارز این حمایت (بیشتر مالی) از زن در مبحث مهر یا مهریه دیده می شود تا جایی که مقررات راجع به مهر، ۲۴ ماده را به خود اختصاص داده است. علی رغم اینکه تعیین مهریه در نکاح دائم شرط صحت نکاح نبوده و حتی شرط عدم تعلق مهریه نیز به صحت این عقد لطمه نمی زند، معذک امروزه، در قریب به اتفاق موارد، عملاً مهریه مورد نظر طرفین در همان لحظه وقوع عقد نکاح و یا ثبت آن در دفتر خانه رسمی ازدواج تعیین می شود. مشاهدات عینی و نتایج پژوهش حکایت از آن دارد که متأسفانه در جامعه ما، مهریه را به منزله کمر بند ایمنی زندگی مشترک می دانند و به همین خاطر مبلغ مهریه روز بروز سیر صعودی به خود گرفته و عوامل مختلف فرهنگی و اجتماعی و حقوقی موجب تشدید این روند نگران کننده شده و در رسانه ها و مطبوعات از همین امر به عنوان یکی از موانع عملی ازدواج جوانان یاد می شود در همین زمینه بررسی انواع مهریه و ماهیت آن از جمله مهمترین مباحث می باشد.

واژه های کلیدی: نکاح، طلاق، مهرالمثل، مهرالمسمی، مهر المتعه

مقدمه

«مهریه» سنتی است کهن که مرد در هنگام ازدواج، مالی را برای زن یا پدر زن خویش قائل می شده است. پرداخت مهریه از سوی مرد به زن، یک سنت کهن اجتماعی و عرفی تبدیل شده است که شریعت اسلام، ضمن تأیید و صحه گذاشتن بر آن، جهت آن را مشخص و ارزش گذاری نموده است. مهریه دارای کارکردهای مختلفی در فقه امامیه و حقوق ایران است. آثار حقوقی نکاح شامل دو بخش است: بخشی از این آثار دارای جنبه مالی است و بخش دیگر از حقوق و تکالیف غیرمالی تشکیل شده است. چون نکاح در درجه اول یک قرارداد غیر مالی است و روابط شخص زوجین مهمتر از روابط مالی آنها است. از جمله این حقوق مالی مهریه است که عبارت از مالی است که مرد هنگام ازدواج با زن به او می دهد. مهر از اختصاصات حقوقی اسلام است که در صورت تعیین مهریه به محض انشاء عقد زن مالک مهر می شود و می تواند هرگونه تصرف مالکانه در آن بنماید و مرد نیز ملزم به پرداخت آن به همسرش می شود. مهریه از ارکان دائم محسوب می شود و عدم تعیین آن نیز خللی به صحت عقد وارد نمی کند. در حقوق ایران، مهریه بیشتر کارکردهای پوشش ریسک نفقه، پوشش ریسک انحلال بنگاه خانواده به موجب طلاق، جبران نقص ارث زوجه و فقر زوجه پس از مرگ شوهر، پوشش ریسک از بین رفتن عشق و انحصار، پوشش ریسک حضانت فرزند (ان)، ارزش معنوی مهر به عنوان احترام به زوجه و مزد فعالیت های زوجه در دوران زوجیت مطرح است. قبل از ورود به بحث مهر لازم است مفهوم لغوی و اصطلاحی و ادله وجوب مهر از آیات و روایات ذکر شود.

۱- مفاهیم

۱-۱- تعریف مهریه

مهریه یا صدق مالی است که به وسیله عقد ازدواج به طور متزلزل به ملکیت زن (همسر) در می آید و با چهار چیز ملکیت آن مستقر می شود:

۱- مرتد شدن شوهر به ارتداد فطری ۲- مرگ شوهر ۳- نزدیکی ۴- مرگ زن بنابه مشهور و این تملک برای زن ناشی از حکم شرع و قانون است. اساس مهریه در حقوق ایران مبتنی بر سنت و مذهب است و نظیر آن را در حقوق غربی نمی توان یافت. رابطه مهر با تمکین زن را نمی توان با رابطه عوض و معوض در قراردادهای مالی قیاس کرد. زن در برابر مهر، خود را نمی فروشد بلکه با مرد پیمانی می بندد که اثر قهری آن، التزام مرد به پرداخت مهر و تکلیف زن به تمکین او است. به همین جهت است که فسخ و بطلان مهر، عقد نکاح را از بین نمی برد و زن را از انجام وظایفی که به عهده دارد، معاف نمی کند. ما در ابتدا مختصراً به بیان تعریف و ماهیت حقوقی مهریه می پردازیم.

۱-۲- مهریه، تعریف و ماهیت حقوقی آن

در ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی آمده است: «مهر عبارت از مالی است که به مناسبت عقد نکاح، مرد ملزم به دادن آن به زن است». الزام مربوط به تملیک مهر، ناشی از حکم قانون است و ریشه قراردادی ندارد. به همین جهت، سکوت دو طرف در عقد و حتی توافق بر این که زن مستحق مهر نباشد، نمی تواند تکلیف مرد را در این زمینه از بین ببرد. درست است که انعقاد نکاح به تراضی طرفین است ولی آثار آن را زن و شوهر به وجود نمی آورند. همین که زن و مرد، با پیوند زناشویی موافقت کردند در وضع ویژه ای قرار می گیرند که به ناچار باید آثار و نتایج آن را متحمل شوند. بنابراین مهر، نوعی الزام قانونی است که بر مرد تحمیل می شود و فقط زوجین می توانند هنگام بستن عقد یا پس از آن، مقدار مهر را به تراضی معین سازند (مواد ۱۰۸۰-۱۰۸۷ قانون مدنی)

۲- مبانی فقهی و حقوقی مهریه

۲-۱- اقسام مهر

در فقه شیعه و قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران از سه نوع مهر نام برده شده است. ۱- مهرالمسمی ۲- مهرالمثل ۳- مهرالمتعّه

۱- مهرالمسمی: مهریه ای است که میزان آن به هنگام عقد نکاح، معین و از آن نام برده شده است.

۲- مهرالسنة: در لمعه آمده است: اگر مرد زن را به کتاب خدا و سنت پیغمبر «صلی الله علیه و آله» تزویج کند مهریه او پانصد درهم است. در شرح لمعه قیمت پانصد درهم را پنجاه دینار تعیین می کند. در جاهای دیگر آمده است که دینار برابر است با یک مثقال شرعی طلا. علت آنکه این مبلغ را مهرالسنة گویند این است که رسول خدا «صلی الله علیه و آله» مهرالمثل این مبلغ را مهر (دختر) خود قرار داده اند. اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشود، نکاح، درست است و طرفین می توانند پس از آن بین خود به صورتی، در مورد آن سازش کنند، و هر چه را خواستند معین نمایند و اگر پیش از تراضی در مورد مهر نزدیکی واقع شود، زن مستحق مهرالمثل است یعنی مهریه ای مثل مهریه زنان همشان و هم ردیف او. مهرالمثل در زبان حقوقی به مهری گفته می شود که مقدار آن، بارعایت حال زن از حیث شرافت و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقربان و اقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود.

ملا محسن فیض در مفاتیح الشرایع می گوید: «آنچه در مهرالمثل معتبر است، حال زن است در شرافت و زیبایی و عقل و بیکارت و حسب و نسب و دارایی و کاردانی و حسن و نظایر اینها و از جمله عادت خویشاوندان او در آن شهر یا نزدیک به آن شهر که با آن شهر در عادت و عرف تفاوتی نباشد.

۳- مهرالمتعّه: در ماده ۱۰۹۳ قانون مدنی آمده است:

هرگاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد، زن مستحق مهرالمتعّه است و اگر بعد از آن طلاق دهد، مستحق مهرالمثل خواهد بود. در جامع عباسی آمده است: متعه (مهرالمتعّه) آن است که اگر شوهر مالدار باشد، جامه اعلی (گران بها) یا اسب که ده مثقال طلا ارزش دارد، یاده مثقال طلا به او دهد و اگر مفلس باشد، انگشتری طلا یا نقره، اگر متوسط الحال باشد پنج مثقال طلا. در حقوق ایران غیر از ارث دو منبع مالی برای زن وجود دارد که عبارتند از:

۱- مهر ۲- نفقه که سعی می شود به اختصار منابع و احکام حقوقی مهر بیان شود.

مهر مالی است که به هنگام عقد نکاح برای ضوابط شرع و رسم و عادت از طرف مرد به زن پرداخت می شود و صدق - صداقیه، کابین و فرض هم نامیده می شود. مهر عندالمطالبه است یعنی به محض انعقاد عقد نکاح زوجه مالک مهر می شود و این مالکیت نسبت به نصف مهر مستقر و در نیمی دیگر متزلزل است.

مهر انواع مختلف دارد که عبارتند از:

۱- مهر السنه (مهر محمدی)

۲- مهر المسمی

۳- مهر المثل

۴- مهر المتعّه

۱- مهر السنه یا مهر محمدی، مهری است که پیامبر اسلام (ص) برای حضرت فاطمه (ع) مقرر کردند و آن عبارت از دویست و شصت و دو مثقال و نیم پول نقره مسکوک است.

- ۲- مهر المسمی، عبارت از میزان مالی است که به عنوان مهر در عقد نکاح ذکر می شود و مورد توافق زوجین است.
- ۳- مهر المثل، در عقد نکاح می توان مهر تعیین نکرد و زوجین می توانند پس از وقوع عقد با توافق مهر تعیین کنند، حال اگر قبل از تراضی برای تعیین مهر نزدیکی شود زوجه مستحق مهر المثل است و مهر المثل عبارت از مالی است که با در نظر گرفتن وضع خانوادگی و حال اقارب و نزدیکان زوجه تعیین می شود
- ۴- مهر المته، چنانچه در عقد نکاح مهر تعیین نشود و زوج مصمم باشد که زوجه را قبل از نزدیکی طلاق دهد مقداری را به عنوان مهر تعیین و به زوجه پرداخت می کند و این مبلغ بستگی به وضعیت مالی زوج دارد
- بنابراین تعیین میزان مهر المثل به وضع خانوادگی زوجه و مهر المته به وضعیت مالی زوج بستگی دارد (صفایی، سید حسین؛ و امامی، اسد...؛ ۱۳۷۷، ص ۱۶۶)

۲-۲- شرایط مهر

مهر باید واجد شرایط زیر باشد:

- ۱- مهر باید ارزش مالی داشته باشد بنابراین آنچه را که فاقد ارزش مالی باشد نمی توان به عنوان مهریه تعیین کرد.
- ۲- از نظر شرع و قانون قابل نقل و انتقال و معامله باشد بنابراین نمی توان مشروبات الکلی یا حیوانات حرام گوشت مانند خوک را بعنوان مهریه تعیین کرد (کاتوزیان، ناصر؛ ۱۳۷۵، حقوق خانواده، ص ۱۳۹)
- ۳- زوج مالی را می تواند مهر قرار دهد که خود مالک آن باشد بنابراین اموال عمومی یا مال موقوفه را نمی توان مهر قرار داد.
- ۴- ضرورتی ندارد که مهر حتما عین معین باشد بلکه انجام عمل یا حرفه آموزی یا تدریس هم می تواند مهریه باشد مثل آموختن قرآن به زوجه، یا آموختن رایانه به زوجه می تواند موضوع مهر باشد.
- مهر در نکاح دائم و نکاح منقطع (صفایی، سید حسن؛ ۱۳۸۴، ص ۲۵۹).
- در عقد نکاح دائم می توان مهر تعیین نکرد یا پس از وقوع عقد بر میزان مهر توافق کرد و عدم تعیین مهر در عقد نکاح دائم موجب بطلان عقد نخواهد بود ولی در عقد نکاح منقطع مبنای وقوع عقد تعیین مهر است و عدم ذکر مهر در نکاح منقطع موجب بطلان آن خواهد بود.

۲-۳- چگونگی محاسبه مهر

چنانچه مهریه وجه نقد باشد و زوجین هنگام وقوع عقد برای وصول آن به ترتیب خاصی توافق نکرده باشند، به ترتیب زیر عمل می شود: متوسط شاخص بهای سال قبل تقسیم بر متوسط شاخص بهای سال وقوع عقد و نتیجه بدست آمده ضربدر مبلغ مهریه مندرج در عقدنامه، توضیح آنکه در صورت فوت زوج که مهریه باید از ترکه وی پرداخت شود مبنای محاسبه تاریخ فوت خواهد بود. ضمناً شاخص بهای سال های قبل و سال قبل از وصول از طرف بانک مرکزی تهیه و در اختیار قوه قضائیه گذاشته می شود و فهرست این شاخص ها به ادارات ثبت و دادگاه ها ارسال می شود و مبنای محاسبه قرار می گیرد. مبلغ مندرج در عقدنامه نامه × شاخص بهای سال قبل / شاخص بهای سال وقوع عقد. توضیح آنکه اجرای صیغه طلاق و ثبت آن منوط به تادیه حقوق شرعی و قانونی زوجه (اعم از مهریه و...) به صورت نقد است مگر در طلاق خلع و مبارات و یا رضایت زوجه یا صدور حکم قطعی اعسار زوج.

۲-۴- طریق وصول مهر

مهریه به دو طریق از طرف زوجه قابل وصول است:

- ۱- از طریق مراجعه به دادگستری

۲- وصول از طریق اجرای ثبت اسناد

۱- وصول مهریه از طریق دادگاه

دعوی مطروحه دعوی مالی است، یعنی باید با توجه به میزان مبلغ مهریه مورد مطالبه تمبر قانونی ابطال کرد و ضمناً این دعوی در دادگاه خانواده قابل طرح است و تابع تشریفات دادگاه خانواده است.

۲- وصول مهریه از طریق اجرای ثبت

چنانچه عقدنامه رسمی باشد، مهریه از طریق اجرای ثبت نیز قابل وصول است، بدین توضیح که زوجه به دفترخانه ای که ازدواج در آن واقع و به ثبت رسیده است رجوع و تقاضای وصول مهریه خود را می کند از طرف دفترخانه مراتب به زوج ابلاغ و چنانچه زوج حاضر به پرداخت مهریه نباشد زوجه تقاضای اجرای مفاد سند ازدواج خود را در خصوص مهریه می کند. چنانچه از طرف زوج مالی از زوج معرفی شود که جزء مستثنیات نباشد مال معرفی شده از طرف اجرای ثبت به نفع زوجه توقیف می شود و چنانچه زوج فاقد مال بوده و لکن کارمند دولت باشد، با تقاضای زوجه یک سوم حقوق وی تا پرداخت کل مهریه به نفع زوجه توقیف و به زوجه پرداخت می شود.

۲-۵- متعلق مهر

همچنانکه ماده ۱۰۷۸ ق. م بیان می دارد: (هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد می توان مهر قرار داد، بنابراین تعیین مهریه یک توافق مالی بین زوجین است پس چیزی که بعنوان معریه تعیین می شود باید ارزش مالی داشته باشد به نحوی که عرف آن را دارای ارزش بداند) به عنوان مثال: یک دانه گندم یا یک قطره آب و چیزهایی از این قبیل دارای ارزش مالی نیست. علاوه بر این مهریه باید قابل تملک نیز باشد بنابراین قراردادن چیزهایی مثل مسکرات که استفاده از آن ها شرعاً حرام بوده و مسلمان نمی تواند مالک آنها شود و همچنین قرار دادن موقوفات به دلیل غیر قابل نقل و انتقال بودن آن بعنوان مهریه خلاف قانون است. با توجه به تعاریف موجود از مال، اموری که به صورت عین، منفعت، حقوق مالی یا اشکال دیگر باشند را می تواند به نفع زن بعهده بگیرد. یا اینکه علم، فن یا چیزی را به وی آموزش دهد. چرا که این امور مستلزم صرف هزینه بوده و بگونه ای جنبه مالی دارد. برای تعیین مهریه محدودیتی وجود ندارد و میزان آن بسته به توافق طرفین است ولی طبق ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی نباید آنقدر کم باشند که ارزش مالی آن از بین برود.

۳- مالکیت زن بر مهر

به مجرد انشاء عقد نکاح، زوجه مالک تمامی مهر می باشد. اگر مهر، عین معین باشد به مجرد تحقق نکاح، آن عین به مالکیت زن در می آید و او حق هرگونه انتفاع و تصرف مالکانه همچون فروش و اجاره آن را خواهد داشت. اگر مهر عین کلی باشد مانند مقداری پول یا طلا به محض وقوع عقد شوهر موظف به ادای آن خواهد بود و زن می تواند آن را مطالبه کند. مگر اینکه مدت زمان خاص یا اقساطی جهت تأییدیه آن منظور شده باشد. قانون مدنی در ماده ۱۰۸۲ تصریح می نماید که زن به مجرد عقد مالک مهر می گردد و این مالکیت زن نسبت به مهر را به صورت مطلق قرار داده است. یعنی زن می تواند هرگونه تصرفی در آن نماید. این مالکیت نسبت به نصف مهر به مجرد عقد منجز و نسبت به نصف دیگر تا قبل از وقوع نزدیکی متزلزل است.

(ابراهیم امینی، فقه استدلالی، ص ۴۷۲).

در تحریر الوسیله در این مورد اینچنین بیان شده است:

و مالکیت تمام آن با وقوع نزدیکی مستقر می شود.

بنابراین اگر شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد و عین مهر زن موجود باشد نصف مهر به شوهر بر می‌گردد. در غیر این صورت ملزم به دادن بدل آن از مثل یا قیمت آن خواهد شد و اگر هنوز مهر پرداخت نشد، فقط نیمی از آن را استحقاق خواهد داشت.

۴- مقایسه احکام مهریه در نکاح دائم و نکاح موقت

مهریه هم در ازدواج دائم است و هم در ازدواج موقت. با این تفاوت که در ازدواج موقت عدم ذکر مهر موجب بطلان عقد است و در ازدواج دائم عقد باطل نیست مهرالمثل تعیین می‌شود. قانون مدنی به موجب ماده ۱۰۷۵ خود نکاح منقطع یا موقت را به رسمیت می‌شناسد. در نکاح موقت طلاق مفهومی ندارد با توجه به تعیین مدت در عقد نکاح زوج حق دارد در اثنای مدت از بقیه زمان تعیین شده صرف نظر نماید که اصطلاحاً «بذل مدت» نامیده می‌شود.

برای آشنایی بیشتر با احکام مربوط به مهریه در نکاح دائم و منقطع به شرح ذیل مقایسه می‌کنیم:

۱- برخلاف نکاح دائم عدم تعیین مهریه در ضمن عقد نکاح منقطع موجب بطلان عقد است لذا تعیین مهریه شرط صحت عقد محسوب می‌شود (ماده ۱۹۰۵ ق.م).

۲- در نکاح منقطع در صورتیکه قبل از اتمام مدت زوجه فوت کند ورثه وی حق دریافت مهریه را دارند.

۳- اگر چه مرد تا پایان مدتی که در نکاح منقطع تعیین شده یا زوجه منقطع نزدیکی ننماید باید پرداخت تمام مهریه را به عهده بگیرد و در صورتیکه نپرداخته باشد بر ذمه وی قرار دارد (ماده ۱۰۹۶ ق.م).

۴- تنها هنگامیکه شوهر قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را ببخشد باید نصف مهریه را به زوجه پرداخت نماید (ماده ۱۰۹۷ ق.م).

۵- در صورتیکه عقد نکاح اعم از دائم یا منقطع به جهتی از جهات قانونی باطل بوده و نزدیکی واقع نشده باشد زن مستحق دریافت مهریه نیست و اگر مهر را گرفته باشد باید آن را مسترد کند (ماده ۱۰۹۸ ق.م).

۶- در مورد بطلان عقد در صورتی که زن به این امر آگاهی نداشته و نزدیکی بین زن و مرد واقع شده باشد باید به وی مهر المثل پرداخت شود (ماده ۱۰۹۹ ق.م).

نتیجه گیری

بر اثر زوجیت زن دارای سه حق مالی می‌شود که هر کدام از این حقوق مالی احکام فقهی و حقوقی خاص خود دارد. مهر یکی از حقوق مالی زن ناشی از عقد نکاح می‌باشد. مهر اگر عین باشد به محض عقد نکاح به ملکیت زن در می‌آید در این صورت زن حق هرگونه تصرف را خواهد داشت ولی اگر مهر عین کلی باشد، مالکیت زن مستقر نمی‌شود مگر اینکه شوهر مشخص نماید هر چیز مباح یا عمل (کار) را می‌توان مهر زن قرار داد و مقدار مهر نیز از جهت کمی و زیادی محدودیتی ندارند. البته از جهت کمی باید به اندازه ای باشد که مالکیت داشته باشد و از جهت زیادی مستحب است که تقلیل داده شود زن هر زمان که بخواهد می‌تواند مهر خود را از شوهر مطالبه کند. اگر از اجرای عقد سال ها گذشته باشد و مهر زن وجه رایج باشد و به نرخ روز محاسبه می‌گردد و مرد نیز ملزم به پرداخت آن است ولی در صورت امتناع شوهر از پرداخت مهر زن می‌تواند از طرق قانونی برای گرفتن مهر اقدام نماید و یا از حق حبس برای گرفتن مهر استفاده نماید و حق او از میان رفته تلقی خواهد شد اما در مورد مهریه های سنگین این طور نتیجه گیری می‌شود که: اسلام بر مهریه های سبک اصرار دارد و از مهریه های متنفر

است. مهر سنگین باعث فرار جوانان از ازدواج و افتادن آنان در معصیت و گناه می شود و خواهنده مهر سنگین در انحراف جوانان سهیم و از این جهت مستحق عذاب الهی است.

اسلام این سخت گیری ها را خلاف انصاف و مروت و جدای از اخلاق انسانیت و امری غیر شرعی می داند. کلاً سخت گیری در امر ازدواج جنگیدن با غرایز و شهوات و آرزوهای طبیعی است. خانواده ها باید از سخت گیری در امر ازدواج بپرهیزند و راه ازدواج را برای جوانان همواره کنند. دختران را با شرایط سهل و آسانی شوهر بدهند و پسران را با برنامه های معمولی و ساده گرفتن امر ازدواج به ازدواج تشویق کنند تا از گسترش فساد و گناه جلوگیری شود.

اصولاً بررسی روابط مالی زن و شوهر در حقوق ایران که برگرفته ویژگی های تاریخی و مذهبی و اجتماعی خاص جامعه ایران می باشد نیازمند بررسی همه جانبه و موشکافانه در تاریخ یک ملت می باشد که در این تحقیق صرفاً به طور اختصار آنهم صرفاً حقوقی و فقهی به بررسی آن پرداخته شد. من حیث المجموع با اندکی تأمل و بررسی قوانین مربوط به روابط مالی زن و شوهر در حقوق ایران به خوبی لزوم تجدید نظر و بازبینی در برخی مواد آن از جمله در قسمت مهریه احساس می گردد چرا که امروزه متأسفانه زوجین و خانواده های آن ها از این دو مقوله به طور ابزاری برای تحت فشار قراردادن طرف دیگر (زوج) و نیز به وجود آوردن احساس ناامنی و اضطراب و در نهایت موجبات به وجود آوردن دعاوی حقوقی و کیفری علیه زوج گشته، لذا قانون گذار با تجدیدنظر و بازنگری در مواد مربوط به امور مالی زوجین در چهارچوب موازین قانونی و شرعی می تواند به این مسائل حاشیه ای و استرس زا پایان داده و زوج های جوان را برای تشکیل خانواده ترغیب نموده، چرا که استحکام جامعه منوط به استحکام خانواده ها می باشد لذا جهت مرتفع ساختن مصائب و تنش های خانوادگی به نظر می رسد که باید اولاً با تعیین سقف خاصی برای مقدار مهریه از افزایش بی رویه آن جلوگیری به عمل آورده و با فراهم آوردن زمینه های لازم و سرمایه گذاری در امور فرهنگی و در زمینه اشتغال از گسترش غیر منطقی مقدار مهریه جلوگیری به عمل آورده و به زوجین این نکته را متذکر گردند که مهریه سنگین ضامن و تضمین کننده زندگی مشترک نمی باشد.

پیشنهادهای

۱- در مورد مهریه های سنگین اسلام بر مهریه های سبک اصرار دارد و از مهریه های سنگین متنفر است. مهر سنگین باعث فرار جوانان از ازدواج و افتادن آنان در معصیت و گناه می شود و خواهنده مهر سنگین در انحراف جوانان سهیم و از این جهت مستحق عذاب الهی است.

اسلام این سخت گیری ها را خلاف انصاف و مروت و جدای از اخلاق انسانیت و امری غیر شرعی می داند. کلاً سخت گیری در امر ازدواج جنگیدن با غرایز و شهوات و آرزوهای طبیعی است.

خانواده ها باید از سخت گیری در امر ازدواج بپرهیزند و راه ازدواج را برای جوانان همواره کنند. دختران را با شرایط سهل و آسانی شوهر بدهند و پسران را با برنامه های معمولی و ساده گرفتن امر ازدواج به ازدواج تشویق کنند تا از گسترش فساد و گناه جلوگیری شود

۲- با تلاش فراوان و البته با برنامه ریزی های بلندمدت و کوتاه مدت بسوی فرهنگ اصیل اسلامی خود برگردیم و این بار واقعاً سعی کنیم آنچه که اسلام در مورد ازدواج و تعیین مهریه گفته است را خوب بفهمیم و به درستی استفاده کنیم و در زندگی خود پیاده کنیم

۳- فرهنگ سازی در این زمینه که نکاح، یک معاوضه حقیقیه و یک قرارداد مالی نیست تا احکام معاوضات و قرار دادهای مالی درباره آن اجرا شود.

۴- تدوین قانونی جهت بیمه کردن مهریه.

۵- به جهت جلوگیری از مهریه های سنگین، قانون مالیاتی برای این امر تصویب شود.

منابع

قرآن کریم

۱. — (۱۳۸۰)، اخلاق در قرآن، چ ششم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲. — (۱۹۸۱م)، تفسیر التبیان، لبنان، دارالعلم للملایین.
۳. ابن‌براج، عبدالعزیز (۱۴۱۱ق)، جواهرالفقه، قم، انتشارات اسلامی.
۴. ابن‌رشد، ابوالولید محمدبن احمد (۱۴۰۶ق)، بدایة المجتهد و نهایة المقتصد، قم، منشورات الشریف الرضی.
۵. ابن‌سعدون، نای (۱۳۷۸)، زن از آغاز تا امروز، ترجمه: گیتی خورسند، بی‌جا، کویر.
۶. ابن‌عربی، محمدبن عبدالله (بی‌تا)، احکام القرآن، تحقیق: علی محمد الجبای، بیروت، دارالجلیل.
۷. اصفهانی، محمدبن حسن (۱۴۱۶)، کشف اللثام و الإیهام عن قواعد الاحکام، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۶.
۸. امامی، حسن (۱۳۷۴)، حقوق مدنی، چ پانزدهم، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۹. امامی‌نمینی، محمود (۱۳۸۶)، ماهیت مهر و نقد مهریه‌های سنگین، مقالات و بررسی‌ها، ش ۸۷.
۱۰. بهشتی، احمد، (۱۳۸۲)، خانواده در قرآن، مؤسسه بوستان کتاب.
۱۱. پولادی، ابراهیم (۱۳۸۸)، مهریه و تعدیل آن؛ تهران، دادگستر.
۱۲. جناتی، محمدابراهیم (۱۴۱۵ق)، دروس فی الفقه المقارن، بی‌جا، مقرالثانیة للبلاد لمنظمة الاعلام الاسلامی.
۱۳. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، تسنیم، قم، اسراء.
۱۴. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
۱۵. حلی، احمدبن فهد (۱۴۱۱ق)، المذهب البارع، قم، جامعه مدرسین.
۱۶. حلی، حسن‌بن یوسف‌بن مطهر (۱۴۱۱ق)، تبصرة المتعلمین فی احکام الدین، تهران، مؤسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۷. حسین نجاتی، روان شناسی زناشویی، تهران، بیکران، ۱۳۸۰، چ ۵، ص ۹۵.
۱۸. حلی، حسن‌بن یوسف‌بن مطهر (۱۴۲۰ق)، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
۱۹. خوانساری، احمد (۱۳۵۵)، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، چ دوم، تهران، مکتبة الصدوق.
۲۰. رشته الهیات و معارف اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۱. سبزواری، عبدالأعلی (بی‌تا)، جامع الاحکام الشرعیة، چ نهم، قم، مؤسسه المنار.
۲۲. شرف‌الدین، سیدحسین (۱۳۸۰)، تبیین جامعه شناختی مهریه، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۳. شهیدی، مهدی (۱۳۸۰)، تشکیل قراردادها و تعهدات، چ هفتم، تهران، مجد.
۲۴. الصادقی، محمد (۱۴۰۸ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن، قم، فرهنگ اسلامی.
۲۵. صفایی، سید حسین؛ و امامی، اسدا...؛ حقوق خانواده، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، چاپ ششم، ج اول.
۲۶. طالبی‌احمدآبادی، محمد (۱۳۸۱)، ماهیت و فلسفه مهر و بیان پاره‌ای از احکام آن از دیدگاه آیات و روایات، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۲۷. طباطبائی، محمدحسین (بی‌تا)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدباقر موسوی، قم، جامعه مدرسین.

۲۸. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، بی‌جا، المكتبة المرتضویه.
۲۹. عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۲ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۳۰. علی قائمی، تشکیل خانواده در اسلام، تهران، امیری، ۱۳۷۸، چ ۱۰، ص ۱۱۱.
۳۱. عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه (۱۳۷۵)، «بررسی اجمالی مَهریه»، فصلنامه ندای صادق، ش ۴.
۳۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۵۰)، حقوق خانواده، چ سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۳۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶)، قواعد عمومی قراردادها، چ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۳۴. کاتوزیان، ناصر؛ حقوق خانواده، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۷۵، چاپ چهارم، ج اول.
۳۵. کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۱ق)، جامع المقاصد، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع) لإحياء التراث.
۳۶. متولی‌الموتی، احمد (۱۳۸۵)، «عدم قدرت بر تسلیم مَهر و آثار آن»، فصلنامه ندای صادق، ش ۴۱ و ۴۲.
۳۷. محمد، محمود (۱۴۲۰ق)، المَهر فی الاسلام بین الماضي والحاضر، بیروت، المكتبة العصرية، ۱۴۲۰ق.
۳۸. مصباح، محمدتقی (۱۳۷۷)، حقوق و سیاست در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳۹. مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۹)، الفقه علی المذاهب الخمسه، ترجمه مصطفی جباری و حمید مسجد سرائی، تهران، قفنوس.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰)، تفسیر نمونه، چ سی و یکم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۴۱. نجفی، محمدحسن (۱۹۸۱م)، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، چ هفتم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۹۸۱.
۴۲. نظری، ایراندخت (۱۳۷۶)، «مَهر و نقش آن در عقد نکاح»، فصلنامه ندای صادق، ش ۸.